

مکعب سفید

گفت‌وگو با آریا اقبال درباره نمایشگاه «تابلوه‌ای کوچک» ارزش آثار را ابعادش تعیین نمی‌کند

زهر ا توسلی

■ گالری آریا این روزها میزبان نمایشگاهی متفاوت با آثاری متفاوت است. نمایشگاه «تابلوه‌ای کوچک» از جمعه ۲۸ بهمن میزبان آثاری از هنرمندانی چون آیدین آغداشلو، ابراهیم جعفری، کامبیز دربهخش، شهلا حبیبی، گیزلا سینیایی، محمدعلی بنی‌اسدی، آته محمدتاتاری، مجتبی تاجیک، رضا افسری، همايون سلیمي، علی خسروی، آریا اقبال، ناهید داورپناه، فرح ابوالقاسم و بسیاری دیگر شده است. این نمایشگاه با یک حراج در روز جمعه ۱۹اسفند ادامه خواهد یافت و علاقه‌مندان به حضور در این حراج تا روز پنجشنبه ۱۸اسفند می‌توانند با مراجعه به دفتر گالری، ثبت‌نام کنند. آریا اقبال، مدیر گالری آریا که خود از نقاشان صاحب‌نام به شمار می‌رود، این بار نیز همچون گذشته رویدادی کم سروصدا اما غنی و پربار را رقم زده؛ رویدادی که توجه هر مخاطب هنردوستی را به سمت خود جلب می‌کشد. در ادامه گفت‌وگویمان را با این هنرمند و گالری‌داری می‌خوانید.

■ ■ ■

■ شما معمولاً نمایشگاه‌های متفاوتی برگزار می‌کنید. رویکردتان از برپایی این نمایشگاه چه بوده؟ چند سالی است که توجه مجموعه‌دارها و مدیران برخی از نگارخانه‌ها به دلایل مختلفی به تابلوهایی با ابعاد بزرگ جلب شده است و کمتر کسی به این موضوع توجه می‌کند که آیا اصلاً می‌توان به طور دایم به هنرمند سفارش تابلوی بزرگ داد یا باید هنرمند را آزاد گذاشت تا با توجه به موضوع و ایداش ابعاد اثر را انتخاب کند. در واقع در هنر هیچ اندازه‌ای به اندازه دیگر برتری ندارد، آنچه اهمیت دارد، موفقیت هنرمند در بیان و خلاقیت و پیدا کردن زبان مناسب برای ارایه اثرش است. بنابراین نقاش، خود باید ابعاد کار را با تناسب موضوع و ایده‌اش انتخاب کند.

■ معیار انتخاب آثار غیر از کوچک بودن چه چیزی بود؟ آیا سبک و شیوه خاصی هم مدنظرتان بوده؟ معیار انتخاب طبیعتاً چگونگی برخورد هنرمند در بیان و خلاقیت و توانایی تکنیکی بوده. سبک و شیوه خاصی را در نظر نگرفته‌ام؛ بیشتر توانایی‌های هنرمند برآیند ارزش داشته البته حدود هزار و ۶۰ نفر برای‌مان کار آوردند یعنی حدود شش هزار تابلو و دیدن این همه کار تا فانه از بصر بسیار کار مشکلی بود اما خیلی جذاب بود و تجربه فوق‌العاده‌ای برای من و همکارانم به وجود آمد. ما حدود یک‌سوم آثار را انتخاب کردیم و به مرور به نمایش گذاشتیم تا امروز که روز پایانی نمایشگاه است، ما پنج بار



نمایشگاه را از اول چیده‌ایم. یعنی هر تابلویی که فروش می‌رود از دیوار فوراً فروش می‌رود و به جایش تابلوی دیگری به نمایش می‌گذاریم.

■ چقدر بعد مای این نمایشگاه مهم بوده و چه نگاهی از نظر قیمت داشتید؟

این نمایشگاه دو بخش داشت؛ یک بخش فروش آزاد و یک بخش حراج تابلوها. تابلوها در بخش آزاد با قیمت صد و ۵۰ هزار تومان فروش می‌روند و بخش حراج، پایه صدهزار تومان دارد که هر بار که خریدار جدیدی آن را بخرد، ۵۰ هزار تومان به قیمت آن اضافه می‌شود تا روز آخر نمایشگاه که معلوم می‌شود هر تابلو به چه قیمتی فروخته می‌شود. تابلوهایی که ۱۰ بار یا بیشتر فروخته می‌شوند به حراج نهایی رها پیدا می‌کنند. البته در این حراج یعنی روز ۱۹ اسفند ما تعداد دیگری تابلو در ابعاد کوچک را نیز به این نمایشگاه اضافه می‌کنیم که علاقه‌مندان می‌توانند تا روز ۱۸ اسفند با ما در تماس باشند و اسم‌شان را برای شرکت در این حراج به ما بدهند.

■ استقبال مخاطبان چگونه بوده؟

استقبال چه در روز اول چه در روزهای دیگر خیلی خوب بود. روز اول فقط بین ساعت شش تا هفت، ۶۹۰ نفر از نگارخانه خارج شدند و اگر آن را ضریب چهار کنیم، بیش از سه هزار نفر از این نمایشگاه فقط در روز افتتاحیه دیدن کردند. فروش نمایشگاه هم خیلی خوب بود و تا سه‌شنبه شب که پایان نمایشگاه است امیدوارم بیشتر کارها فروخته شوند.

■ فضای هنری در حال حاضر می‌کند؟ واقعاً دایم. این موضوع بعداً معلوم می‌شود. ■ راجع به هنرمندانی که شرکت کردند و نوع فراخوان توضیح دهید...

ما در این نمایشگاه هم از هنرمندان قدیمی و هم از هنرمندانی که بسیار جوان هستند تابلو به نمایش گذاشتیم؛ هنرمندانی مانند آیدین آغداشلو، محمدابراهیم جعفری، شهلاحبیبی، همايون سلیمي، رضا افسری، فرشته ستایش، فرح ابوالقاسم و هنرمندان بسیار دیگری که به این نمایشگاه تابلو دادند. در فراخوان اعلام کرده بودیم آثاری را نمایش خواهیم داد که ارزش‌شان را ابعادشان تعیین نمی‌کنند.

گفت‌وگو با آیدین آغداشلو درباره نمایشگاه تابلوه‌ای کوچک

بازار هنر را گرم‌تر کنیم

مرجان صائبی

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

آریا اقبال

را به وجود آورده که این بازار گرم‌تر شود. بنابراین اگر آثار هنرمندان جوان را در این نوع برنامه‌ها بیشتر عرضه کنند به نظر من خیلی نتیجه بهتری به دنبال خواهد داشت. ■ فکر می‌کنم انتخاب کارهای کوچک در گالری آریا برای این‌گونه که تعداد بیشتری اثر عرضه شود. این رویکرد چه مزیت دیگری دارد و آیا این تعیین اندازه برای هنرمند محدودیت ایجاد نمی‌کند و در خلاقیتش تأثیر نمی‌گذارد؟

اولین نکته‌ای که در این مورد به نظر می‌رسد همین است که شما گفتید. در یک گالری با فضای محدود اگر اندازه‌ها کوچک باشد تعداد بیشتری کار عرضه می‌شود. مزیت دومی که دارد، این است که به هر حال اندازه و ابعاد در قیمت آثار همیشه تأثیر دارد، حتی در مورد هنرمندی که خیلی شناخته‌شده و معروف است، مثل پیکاسو، مثلاً طراحی‌ها و کارهای ساده‌تر و کوچک‌تر پیکاسو قیمت‌شان کمتر است. این یکی از ملاک‌هایی است که همچنان برای تعیین قیمت اثر هنری وجود دارد. غیر از اینها، تعیین ابعاد اثر باعث می‌شود اگر به قیمت پایین‌تری فروخته شوند، توهمین‌آمیز به نظر نیاید و حس بهتری به هنرمند منتقل شود. در چنین حالتی هنرمندان جوان فکر نمی‌کنند که قیمت کارشان پایین است، ضمن اینکه گالری‌دار دلیل موجهی برای تعیین قیمت دارد. سوومین نکته این است که اگر ابعاد کارها کوچک باشد و قیمت‌ها ارزان‌تر، خریدار بیشتری برای کارها پیدا خواهد شد. در مورد خودم می‌گویم، شاید کسانی باشند که دوست دارند کارهای مرا بخردند، با وجود اینکه کارهای من خیلی هم قیمت‌های عجیب و غریبی ندارم، ولی ممکن است برای خیلی از افراد این قیمت‌ها بالا باشد و فکر کنند و وسع‌شان نیست، اما اگر بروند و ببینند که در یک گالری قیمت پایه کار من با کار جوانی که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده برابر است، تشویق می‌شوند که بیشتر به دنبال خرید آثار هنری بروند به همین دلیل فکر می‌کنم که نه فقط نقاشی‌های کوچک بلکه گالری‌دارها می‌توانند از کارهای ساده‌تر و کم‌کارت‌تر در ابعاد بزرگ‌تر به تعداد زیاد و قیمت کمتر عرضه کنند. صحبت من این است که راهی پیدا شود تا کسانی که به صورت عادی در این بازار حضور ندارند و به طور حرفه‌ای دنبال خرید آثار هنری و سرمایه‌گذاری در این بازار نیستند، با ذوق و علاقه به خرید آثار ترغیب شوند. شما خیلی از خانه‌ها را می‌بینید که دیوارهایشان خالی است یا پوستر قاب کرده‌اند. البته این هم قابل

تجسین است؛ اما اگر قیمت‌ها طوری باشد که مردم بتوانند اصل آثار هنری، هر چند ساده و کم‌کار را خریداری کنند، مساله پیدا کردن جایگاه آثار هنری در خانه‌های عامه مردم به مقدار زیادی حل می‌شود. ■ به نظر تان این مساله باعث می‌شود کسانی را که به سمت تزئینات غیرهنری یا فرش یا انواع تزئینات وارداتی روی آورده‌اند هم جذب کند؟

بله، حتماً این طور است. وقتی بدانند آثار نقاشانی که در گالری‌ها روی دیوار بوده، شناخته‌شده است و مورد توصیه دیگران و قیمت‌شان هم متعادل به خرید آثار هنری روی می‌آورند و این می‌تواند نقطه شروع یک عادت باشد. نکته خیلی مهم این است که گالری‌دارها یا واسطه‌های آثار هنری فقط به این بازار موجود تکیه نکنند. سعی کنند به این بازار وسعت دهند و مشتری‌های جدید و بیشتری پیدا کنند. ■ قیمت کاری که شما در نمایشگاه گالری آریا داشتید با کارهای هنرمندان جوان یکی بود؟

تجسمی

در چند ماه اخیر، در بزرگداشت‌ها و مراسم‌های مهمی که به مناسبت‌های مختلف برپا شده، آیدین آغداشلو به عنوان میهمان ویژه و سخنران حضور داشته است. حضور او در مراسم‌ها و مشغولیت دایم او به آموزش و علاقه و همراهی‌اش با جوانان، معنایی جز دلبستگی به آینده هنر این سرزمین ندارد. او دلبستگی خاصی به میراث هنری و فرهنگ ایران دارد و به گفته خود سعی کرده تغییر و تحولات ناگزیر، سقوط‌ها، ویرانی و مرگ را در قالب نقاشی به تصویر بکشد. این نقاش و استاد برجسته هنر، دستی هم در

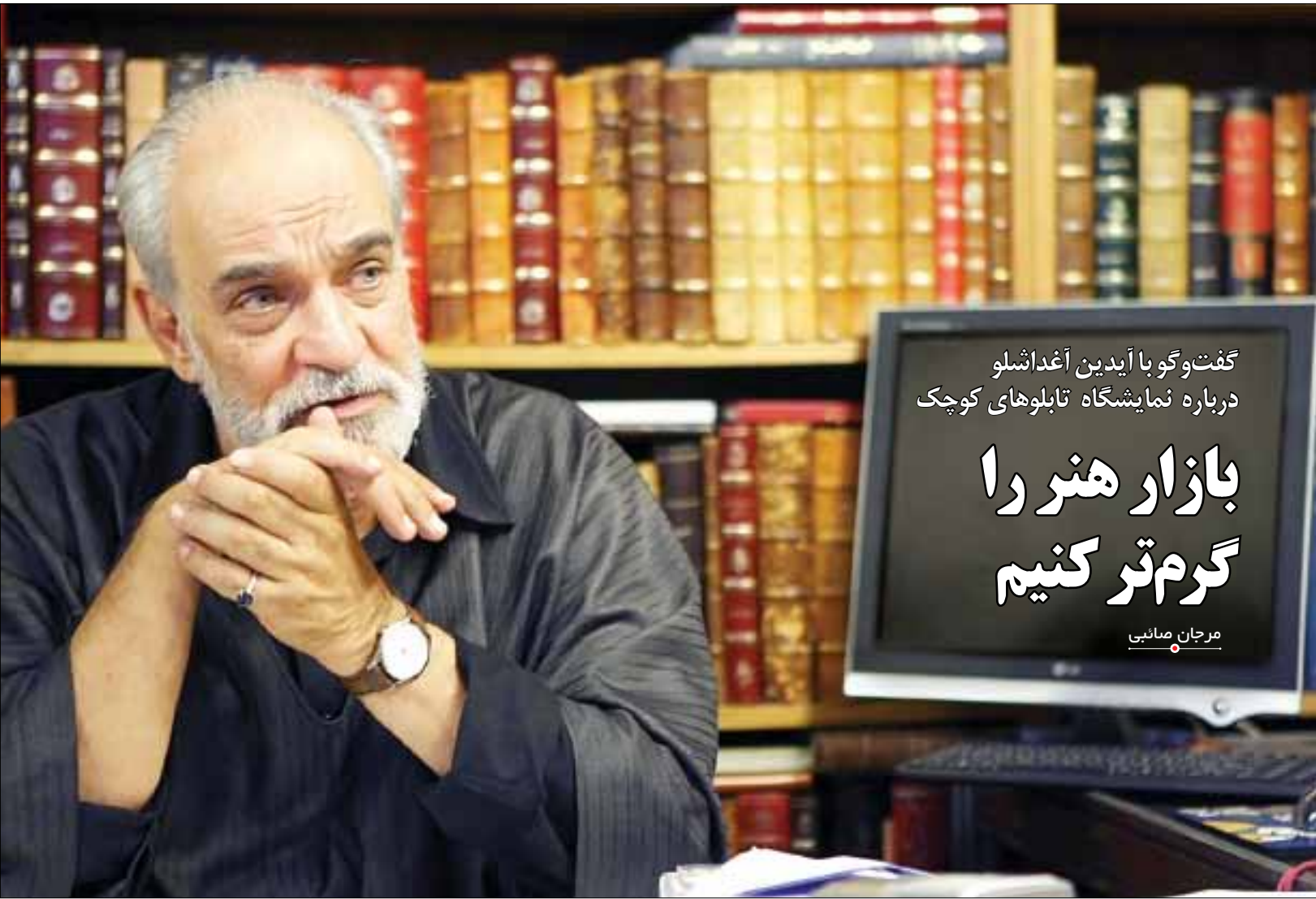
وقتی به من گفتند یک اثر به این نمایشگاه دهم من یک کار کشیدم، چون معمولاً در اندازه‌های کوچک کار نمی‌کنم. هدف این بود که بدون اینکه امتیاز خاصی برای یک نقاش قدیمی قابل شوند قیمت شروع برای تمام آثار یکسان باشد. یعنی پایه کار من و یک نقاش جوان از نظر قیمت اصلاً مهم نیست. ■ آیا اینکه قیمت کارهای شما با نقاشان جوان برابر باشد باعث نمی‌شود خریداران، اثر شما را ترجیح دهند و به نوعی این امر در تضاد با نیت و قصد اولیه حضور مشترک شما و نقاشان جوان در یک گالری نیست؟

ببینید، تضادی در کار نیست. در عین حال من خیلی خوشحال‌تر می‌شوم که کار نقاش دیگری را بخردم. اصلاً بنیان شرکت من در این نمایشگاه همراهی و همدلی بوده. یک نقاش قدیمی که اسبم و رسمی در کرده نباید فروتنی را فراموش کند. فکر می‌کنم هر اثری خریدار خودش را دارد. حالا ممکن است کسی اثر هنرمندی را که مشهورتر است حتماً بدون اینکه علاقه به اثر داشته باشد بخرد. در طول این سال‌ها دیدم افرادی را که کارهای هنرمندانی را می‌خرند که قبلاً با اثرشان ارتباط برقرار نکرده‌اند و حتی دوستش ندارند ولی به نوعی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این هم، روشی است! اشکال ندارد. بنابراین فکر می‌کنم خریدار کار من، خریدار کار کس دیگری نیست و بالعکس. یعنی بنیان کارم را بر این مبنا گذاشتم و این، از آرزوهای من است، حالا اینکه در عمل چه اتفاقی می‌افتد از عهده من خارج است. ولی ترتیبی که گالری آریا داشت این بود که کسانی که به اثر خاصی علاقه‌مند هستند در حراج شرکت کنند چون درواقع این یک حراج است و مثل هر حراجی یک قیمت پایه وجود دارد.

قرار نیست ما فکر کنیم تافته جدا بافته‌ایم و برآیمان سخت باشد، ببینیم آثارمان با کارهای کسانی که سن توه ما را دارند یکجا و یکسان عرضه می‌شود. حالا اگر در انتهای نمایشگاه خریداران بیشتری برای یک هنرمند خاص باشد، دیگر به مساله مخاطب و علاقه‌مندی‌ها برمی‌گردد. اما همان‌طور که اشاره کردم، مساله اصلی، سرمایه‌گذاری است؛ یعنی کسی در حراج کاری را می‌خرد و ممکن است آن را دوست نداشته باشد. شاید کسی هم که در انتها کار من را بخرد خیلی به آن علاقه‌مند نباشد و صرفاً برای سرمایه‌گذاری آن را بخرد. این، بستگی به هوش سرمایه‌گذار دارد. ممکن است اشتباه کند و حتی به آن قیمت که خریده هم نتواند بفروشد. و شاید بیشتر بفروشد.

■ کلاً حضور هنرمندان قدیمی‌تر در چنین نمایشگاه‌هایی، چه تأثیری در ارتباط عامه مردم با هنر دارد؟ پیشنهاد خیلی خوبی است. حتی یک اکسپو یا یک موسسه هنری که دیوارها و امکانات بیشتری دارد، می‌تواند از هنرمندانی قدیمی استفاده کند. البته من همچنان دوست دارم که همه طیف‌ها کارهایشان را عرضه کنند اما اگر به قول شما برنامه‌ریزی این باشد که از هنرمندان قدیمی کارهای ساده‌تری را با قیمت پایین به نمایش بگذارند، خیلی خوب می‌شود، چرا که آنها هم می‌توانند با قیمت‌های معقول و منطقی کارهایی را که دوست دارند، بخرند.

■ با این وصف، نمایشگاه‌هایی مثل نمایشگاه گالری آریا خیلی به نفع عامه مردم است، چون سطح سلیقه هنری عامه مردم ما به دلیل بالا بودن قیمت آثار پایین مانده... به هر حال سلیقه را می‌توان بالا برد و معتقدم باید از یک



عکس: مهدي حسيني، شرق

نوشتن دارد. می‌گوید بدش نمی‌آید گاهی اوقات یکی، دو مطلب بنویسد. وقتی هم که دفت می‌کنیم، می‌بینیم نوشتن هیچ‌گاه از آیدین آغداشلو و آیدین آغداشلو هیچ‌گاه از نوشتن جدا نشده است. پنهان گفت‌وگویمان با او، شرکت در نمایشگاهی گروهی در گالری آریا بود که امروز آخرین روزش را پشت سر می‌گذارد: نمایشگاهی که به ارایه «تابلوه‌ای کوچک» اختصاص دارد. گفت‌وگویمان را با این نقاش پیشکسوت در ادامه می‌خوانید.

جایی شروع کرد...

■ خبر اگر این شروع با آثار هنرمندان شناخته‌شده باشد و مردم از طریق خرید آثار آنها وارد این جریان شوند به قول شما به مرور زمان مخاطبان وقتی با یک اثر ارتباط قلبی پیدا می‌کنند آن را می‌خرند نه صرفاً به دلیل امضای اثر...

این حرف درست است اما به نظر من هر دو وجه این مساله منعی ندارد. یعنی اگر اثر یک هنرمند کم‌نام را به یک اسم شناخته‌شده ترجیح دهند، خوب است.

■ بالطبع این سلیقه باید رشد کند تا به این مرحله برسد...

آثار هنری وقتی به وجود می‌آید، اصلاً ربطی به این ملاحظات ندارد و یک امر کاملاً شخصی است. گفت‌وگوی درونی هنرمند با خودش است. وقتی اثر تمام و به هر شکلی وارد بازار می‌شود، از آن لحظه به بعد مقررات و قوانینی بر آن حاکم می‌شود که هنرمند آنها را تعیین نمی‌کند. این مسایل بر عهده کسانی است که حرفه‌شان این است و کارشان را بلد هستند. آنها هر طور صلاح می‌دانند رفتار می‌کنند. یعنی ممکن است که آنها را تکر بفروشدند یا آثار ساده‌تر را در یک جا بفروشدند ولی هر کاری که برای بازاریایی انجام می‌دهند فوق‌العاده اهمیت دارد، هم برای هنرمند، هم برای مردم. هنرمندی می‌تواند به فروش کار تکیه کند و ۱۰ کار دیگر در مجاورت آن برای امرار معاش انجام ندهد و وقتش را تقسیم نکند. سلیقه و سواد بصری در میان عموم مردم وجود دارد؛ منتها این سلیقه از گروه‌های حرفه‌ای‌تر و علاقه‌مندی‌هایی آن اهمیت ندارد. یعنی می‌دانستم این کار سربایت سلیقه به دلیل چشم و هم‌چشمی است. فرض کنید شما وارد خانه من می‌شوید و ش‌ای می‌بینید که به نظر تان قشنگ می‌آید و بعد یک چیزی شبیه آن را در منزل تان قرار می‌دهید و همین‌طور این سلیقه منتشر می‌شود. سلیقه عمومی به این شکل ساخته می‌شود.

■ راجع به کاری که در این نمایشگاه دارید توضیح می‌دهید؟

من این کار را به دلیل خواست خانم آریا اقبال کشیدم. اولین نکته این بود که می‌خواستیم کارم را همراه با جوان‌ترها بدون هیچ برتری‌جویی عرضه کنم. خیلی دوست داشتم که قیمت تمام آثار در شروع یکسان باشد. وقتی این کار را می‌کشیدم واقعاً مساله مالی آن اهمیتی نداشت. یعنی می‌دانستم این کار تا پنج بار قیمتش بالا می‌رود و هر بار ۵۰ هزار تومان و در نتیجه حداکثر پولی که به من می‌داندند حدود ۳۰۰ هزار تومان بود. ۳۰۰ هزار تومان رقمی نبود که من به دلیل آن کارم را شروع کنم، نه اینکه ۳۰۰ هزار تومان اهمیت ندارد- هر پولی که بابت کار پرداخت شود فوق‌العاده اهمیت دارد - اما من به‌ختم چندین دیگری است. اگر مردم عادت کنند برای نقاشی پول بدهند این فرهنگ تثبیت می‌شود. این اثر برای من فرقی با کارهای بزرگ‌تری که می‌کشم نداشت. اتفاقاً جنبه بسیار دلپذیرش این بود که این کار را با قلم فلزی و مرکب‌های رنگی و ابرنگ کشیدم و این اصلاً شیوه معمول من نبود. حتی فکر کردم بهتر است در آینده کارهای بزرگ‌تری با همین شیوه بکشم و به همین دلیل شروعی دلپذیر و فضایی جدید بود.

■ آثار دیگران را چگونه دیدید؟

کار نقاشان جوان را خیلی دوست دارم؛ با خیلی از آنها به عنوان یک معلم کار می‌کنم. تعداد زیادی از نقاشان معاصر در یک دوره‌ای هنرجوی من بوده‌اند. برای همین قلباً تک‌تک‌شان را بی‌نهایت دوست دارم و کارهایشان را تعقیب می‌کنم. ولی من این نمایشگاه ترتادم؛ چون فکر کردم مبدا به نظر برسد که کوساما شاوروند از کف به سمت سقف و از راست به چپ و برعکس.

روزنه آبی

نگاهی به نمایشگاه‌های اخیر سه هنرمند از شرق تا غرب ادبیت و مدرنیسم علیرضا امیرحاجبی

علیرضا امیرحاجبی

بخشی از دغدغه‌های همیشگی نقاشان انتقال وضعیت‌های متنوع و پیچیده روان‌شناختی بشر با رسانه نقاشی بوده و هست. این دلمشغولی‌ها در تاریخ هنر تا آند اقتدارت می‌یابد که سبک مشخص و تأثیرگذاری به نام اکسپرسیونیسم در اوایل قرن بیستم میلادی پا به عرصه می‌گذارند. این نگرش نه تنها بین دو جنگ جهانی بلکه پس از آن و تا به امروز مورد توجه مخاطبان هنر نقاشی قرار گرفته و به اشکال مختلف به گسترش کیفی و کمی خود ادامه داده است. از آثار هنرمندانی چون آگون شبیه گرفته تا فرانسیس بیکن همه و همه در پی بازتاب دادن موقعیت انسان به لحاظ روانی بوده‌اند. اما در این بین آثار یک نقاش چیره‌دست ولی بی‌اعدا از جایگاه خاصی برخوردار است: لوسین فروید. نابغه بزرگ که با اتکا بر قواعد و اصول بازنمایی رئالیستی و با حفظ شخصیت هنری و تکرار نشدنی‌اش توانست روح مدرنیسم را در نقاشی حفظ کند. فروید باعث آن شد که یاهوگوینانی که شعار «مرگ نقاشی» را به بوق کرده بودند کمی به تجزیه و تحلیل‌های خود شک کنند و بالاتر از آن مردم نیز مصادیقی در زمینه نفی و تکذیب این شعار پیدا کردند. فروید به قول خودش همواره در جست‌وجوی بازنمایی و انعکاس «درام» در زندگی انسان‌ها بود. به همین دلیل انسان‌ها محور و موضوع اصلی آثار این هنرمند هستند. این مردم عادی، این دوستان، خانواده و حتی عشاق که در زندگی روزمره فروید حضور داشتند ناقلان و حاملان «درام» معرفی شده‌اند. آنها در خود پتانسیل زیادی دارند. نیرویی در جهت بیان و فروید این نکته را به خوبی درک کرده بود. انسان‌های فروید به‌سادگی در برابر او می‌نشستند یا روی یک کاناپه قرار می‌گرفتند. این سادگی در روایت‌های تصویری وی شاخصه مهمی تلقی می‌شود. ساختاری ساده که در طی روند کنش دیدن به تدریج پیچیدگی‌های بطنی خود را به نمایش می‌گذارد. در بین آثار فروید چهره‌نگاری‌های درخشانی به چشم می‌خورد. تک‌چهره‌هایی از خود و دیگران. آثاری که هم هویت‌های متکثرشان را به نمایش می‌گذارند و هم عنصری مشترک را به بیننده ارایه می‌کند: «تراژدی مدرن».



از هفته گذشته گالری ملی پرتو ره در لندن خود را برای یک رویداد کم‌نظیر آماده کرده است. میزبانی مجموعه چهره‌نگاری‌های لوسین فروید، ۱۳۰ اثر از سراسر جهان جمع‌آوری شده است تا بار دیگر قدرت و تنوع این هنرمند بربرتابایی به نمایش گذاشته شود. تعدادی از این آثار برای نخستین‌بار است که در معرض دید همگان قرار می‌گیرد. این نمایشگاه تا اواسط بهار برقرار خواهد ماند.

گالری تیت مدرن لندن از اوایل فوریه میزبان آثار هنرمند شاخص و آواستگار ژاپنی یابیوی کوساما شده است. هنرمند زنی که یک سبک خاص در چیدمان‌های مفهومی را با امضایی خاص به علاقه‌مندان این‌گونه آثار ارایه می‌کند: «دایره‌ها و نقطه‌ها». اشکالی انتزاعی که بی‌تردید بر گرگش‌های فرهنگ و هنر بودایی- ژاپنی است. کوساما طی چندین دهه تمام سعی و تلاش خود را معطوف به ساخت و طراحی فضا و محیط کرده است، فضاهایی که با دایره‌ها و نقطه‌هایش دوباره تعریف شده‌اند. عبور با از یک باغ، طلوع خورشید در جنگل، تغییر یک فصل، آمدن بهار، رفتن پاییز همگی موضوعاتی هستند که کوساما با دیدگاهی انتزاعی و به شدت ساده سعی بر بازنمایی آنها داشته و دارد. هنر کوساما به دلیل برخورد خلاقانه هنرمند با مساده و فضا در بینابین چیدمان و مجسمه‌سازی در نوسان است. مجموعه بی‌تغلیر وی با نام عبور کردن زمستان که چند سال پیش در همین گالری تیت مدرن به نمایش و اجرا گذاشته شد، نمایانگر اوج خلاقیت هنرمند ژاپنی پس از جنگ است. آنه‌هایی عریض و طولی که دایره‌های آویخته از سقف را در انعکاسی مضاعف چندین و چندین برابر می‌کند تا آنگاه که مفهوم بی‌نهایت به مخاطب القا شود. مخاطبان در درون آثار کوساما در اتاق‌ها و سالن‌های یک گالری مانند تیت مدرن برای دقایقی هویت خود را فراموش می‌کنند. رنگ‌های تند قرمزها، نارنجی‌های پررنگ تکرار بی‌نهایت شکل دایره تصویر انتزاعی، خواب‌گونه و گاه وحشت‌آور را می‌سازند. دایره‌ها در چیدمان‌های داخلی کوساما شاوروند از کف به سمت سقف و از راست به چپ و برعکس.